

بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در تدوین اصلاحیه قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

چکیده

این مقاله به بررسی کاربردهای مهم تئوری نمایندگی در تدوین اصلاحیه قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می پردازد در این مقاله ضمن تشریح نظریه تئوری نمایندگی تمهیدات اخذ شده در اصلاحیه قانون تجارت در خصوص موارد مطرح شده در این تئوری مورد بحث قرار می گیرد همچنین سعی بر آن شده نقاط قوت و ضعف اصلاحیه مزبور در قبال مفروضات تئوری نمایندگی مورد بحث قرار گیرد.

مقدمه

تئوری نمایندگی مربوط به موردی است که یک نفر مسؤولیت تصمیم گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی را طی قرارداد مشخصی به شخص دیگری واگذار می نماید. شخص اول را در اصطلاح، صاحبکار مالک و شخص دوم را اصطلاحاً نماینده یا کارگزار می نامند. رابطه بین سهامدار و مدیر، مدیرعامل و مدیران دایره های مختلف سازمان، شخص حقیقی یا حقوقی با وکیل قانونی و بیمه گر و بیمه گذار نمونه هایی از تئوری نمایندگی هستند. هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش نظریه نمایندگی در چارچوب رابطه بین سهامدار و مدیران در اصلاحیه قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است. در این مقاله ذکر کلمه "قانون" به معنای اصلاحیه مزبور است.

همانطور که ذکر شد طبق تئوری نمایندگی انجام خدمات مشخص از طرف صاحبکار به نماینده واگذار می گردد. مفهوم مزبور در ماده ۱۰۷ اصلاحیه قانون تجارت تحقق یافته است. طبق مفاد قانون مزبور اداره امور شرکت های سهامی از طرف سهامداران به نمایندگان ایشان که هیات مدیره شرکت می باشند واگذار شده است. ماده قانونی مزبور تصریح داشته است که شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا و یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. که الزام سهامدار بودن هیات مدیره به عنوان یکی از عوامل تعدیل کننده تبعات و مشکلات تئوری نمایندگی در قانون مزبور درج شده است. هر چند که در عمل چون طبق مفاده ماده ۱۱۴ قانون مدیران صرفاً باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. و در اغلب اساسنامه های تصویب شده موجود این تعداد یک سهم معین شده تمهید مزبور کاربرد خود را از دست داده است.

فرض های مربوط به نماینده در تئوری نمایندگی

در تئوری نمایندگی فرض بر آن است که نماینده دارای شرایطی است که حداقل آن رفتار منطقی است مفروضات زیر محصول این فرض زیر بنایی مزبور است :

- الف. مدیر نیز مانند هر شخص منطقی دیگر به دنبال نفع شخصی خود می باشد.
- ب. مدیر شخصی "ریسک گریز" است.
- پ. مدیر اصولاً فردی عقلانی است. از یک طرف می داند سعی و کوشش وی منجر به افزایش ارزش شرکت می شود از طرف دیگر، بر اثر کار کردن خسته می شود و تمایل به "کارگریزی" دارد. این تمایل را در اصطلاح، تئوری نمایندگی "از زیر کار شانه خالی کردن" می نامند.
- ت. مدیر منطقی است؛ یعنی با وجود موارد بالا انتظار می رود در راستای منافع سهامدار تصمیم گیری و اقدام نیز نماید.
- ث. مدیر مانند سهامدار، قدرت محاسباتی و پیشبینی آینده را دارد و میتواند اطلاعات موجود را که شامل اطلاعات حسابداری نیز میگردد، پردازش کند و به نفع نمایندگی به کار برد.

به نظر می رسد که اصلاحیه قانون تجارت در تعیین شرایط احراز مدیران به مفروضات فوق توجه کافی ننموده لذا ماده ۱۱۱ اصلاحیه قانون تجارت تنها محدودیتهایی به شرح زیر جهت احراز مدیریت شرکتهای سهامی در نظر گرفته شده است :

ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند.

۱ - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلایا بعضا محروم شده باشند در مدت محرومیت.

سرقه ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، جنحه های که بموجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

مشکلات نمایندگی

اولین مشکل مربوط به نمایندگی، وجود تضاد منافع بین سهامدار و مدیر است. یعنی سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود می باشد؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید. اختلاس و فساد مالی مدیر و خارج ساختن منافع سهامدار از شرکت، نمونه هایی افراطی از این تضاد منافع میباشند مشکل مزبور، که گاه در اصطلاح "خطر اخلاقی" نامیده می شود وقتی به وجود می آید که نماینده، طبق نفع شخصی خود، انگیزه پیدا می کند تا از شرایط قرارداد منعقد شده خارج شود؛ و به نفع خود عمل نماید.

به نظر می رسد که مفاد مواد ۱۲۹ الی ۱۳۵ قانون در تقابل با مشکل مزبور به تصویب رسیده است. طبق مفاد ماده ۱۲۹ قانون اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن رابه اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند .

همچنین طبق مفاد ماده ۱۳۲ قانون، مدیرعامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند می باشد.

و طبق مفاد ماده ۱۳۳ قانون، مدیران و مدیرعامل نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشند انجام دهند. هرمدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا نفیوت منفعت.

دومین مشکل نمایندگی، مربوط به ناتوانی سهامدار، در ملاحظه اقدام و عملیات مدیر است سهامدار نمی تواند اقدامات مدیر را به طور روزانه دنبال کند تا مطمئن شود که آیا تصمیم گیری های مدیر، منطبق با منافع سهامدار است یا خیر؛ بنابراین، سهامدار فاقد اطلاعات لازم در خصوص عملیات مدیر است. این حالت را در اصطلاح تئوری نمایندگی "عدم تقارن اطلاعات" می نامند. در اینصورت اگر از طرف سهامدار روشی جهت کنترل عملیات مدیر به وجود نیاید، فقط مدیر می داند که آیا در راستای منافع سهامدار گام برداشته است یا خیر؛ از طرف دیگر، مدیر، نسبت به اقداماتی که در سازمان باید صورت گیرد، بیشتر از سهامدار اطلاع اجرایی دارد. این اطلاع اضافی مدیر، در نظریه ی نمایندگی "اطلاعات خصوصی" نامیده می شود. وجود اطلاعات خصوصی، به عدم تقارن اطلاعات بین سهامدار و مالک می افزاید.

متاسفانه در اصلاحیه قانون تجارت تمهیدات ضعیف و مناقضی در این خصوص اندیشیده شده به شکلی که طبق مفاد ماده ۱۳۹ اصلاحیه قانون تجارت هر صاحب سهم صرفاً می تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

همانطور که در مفاد قانون مزبور آمده صاحبان سهام می توانند پانزده روز قبل از انعقاد مجمع تنها از اطلاعات صورت حسابها و ترازنامه و سود و زیان رونوشت تهیه نمایند. در این ماده از صورت های مالی حسابرسی شده به عنوان مجموعه ای از اطلاعات قابل اتکا ذکری به میان نیامده است و صرفاً از گزارش بازرسی نام برده شده از طرفی با وجود آنکه در ماده مزبور فرصت بیست روز قبل از تاریخ مجمع در خصوص مراجعه صاحبان سهام جهت رونوشت گرفتن از گزارش بازرسی ذکر شده است مفاد ماده ۱۵۰ همان قانون تصریح نموده که بازرسی یا بازرسان موظف اند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. لذا صاحبان سهامی که بیست روز قبل از تشکیل مجمع جهت دریافت اطلاعات به شرکت مراجعه می نمایند از دریافت گزارش بازرسی محروم می گردند. همچنین طبق مفاد ماده ۹۸ قانون فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهار روز است که در صورت چاپ آگهی ۱۰ روز قبل از مجمع سهامداران روزهای محدودی را جهت مراجعه به شرکت و دریافت اطلاعات خواهند داشت.

سومین مشکل نمایندگی، به اصطلاح، "اثرات انتخاب نامطلوب" می باشد این مورد زمانی اتفاق می افتد که اشخاص تمایل دارند با دارا بودن اطلاعات خصوصی درباره چیزی که نفع آنها را فراهم می سازد، طرف مقابل، را مغبون سازند. این مشکل در چارچوب رابطه بین مدیر و سهامدار وقتی است که مدیر به نحوی رفتار نماید تا اطلاعات نادرست و یا غیرکامل به سهامدار منتقل نماید. جهت رفع مشکل مزبور ماده ۱۴۴ الی ۱۵۶ اصلاحیه قانون تجارت وجود بازرسی یا بازرسان را به عنوان تمهید مناسبی جهت جلوگیری از اطلاعات ناصحیح ارائه نموده است. طبق مفاد ماه ۱۴۹ اصلاحیه قانون تجارت بازرسی یا بازرسان می توانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرسی یا بازرسان می توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده نمایند. اما مشکل اساسی رکن بازرسی در اصلاحیه قانون تجارت عدم تعیین شرایط مناسب از جمله تخصص حسابداری و حسابرسی برای ایشان است بطوریکه طبق مفاد ماده ۱۴۷ بجز اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون و مدیران و مدیر عامل شرکت و اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم و هرکس که خود یا همسرش از مدیران و مدیر عامل شرکت بطور موظف حقوق دریافت می دارد. می تواند بازرسی یک شرکت سهامی شود. البته مفاد ماده ۲۴۲ اصلاحیه قانون تجارت سعی بر تعدیل مورد فوق در خصوص شرکتهای سهامی عام نموده است طبق مفاد ماده مزبور در شرکتهای سهامی عام هیئت مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را بنحو صحیح و روشن نشان می دهد.

چهارمین مشکل مربوط به نمایندگی، این است که قرارداد بین سهامدار و مدیر، در شرایط عدم اطمینان نسبت آینده منعقد می گردد؛ یعنی قرارداد به طور معمول جهت اجرای عملیاتی در آینده تنظیم می گردد؛ اما نتیجه نهایی که ممکن است محصول یا سود باشد، دست کم نیاز به گذشت یک دوره مالی دارد. طی زمان اتفاق های زیادی ممکن است رخ دهد که روی محصول نهایی یا سود اثر می گذارند. در متن تئوری نمایندگی، این اتفاق ها به دو گروه "عوامل غیرقابل کنترل" و "عوامل قابل کنترل" طبقه بندی می

شوند؛ و، دسترسی به محصول یا سود نهایی، همیشه براساس احتمالات می باشد نظر به اینکه مدیر ریسک گریز است، به طور طبیعی، تمایل دارد که ضمن پرهیز از مخاطرات سود آوری ریسک مربوط به عوامل غیر قابل کنترل را به مالک انتقال دهد؛ لذا می بایستی همراهی در ریسک سهامدار و مدیران طی ضوابطی در نظر گرفته شود؛ مساله مورد نظر در تئوری نمایندگی تعیین قرارداد بهینه ای است که انگیزه لازم، جهت سهامدار و مدیر را فراهم سازد تا در خصوص "شراکت در ریسک و سود" با یکدیگر معامله نمایند

با توجه به موارد بالا سهامدار و مدیر باید در خصوص دو مورد زیر اقدام نمایند:

الف. قرارداد مناسبی که میزان حقوق و مزایا، شراکت در ریسک و ... مدیر و سهم سهامدار از سود را مشخص می سازد، تنظیم نمایند.

ب. سیستم اطلاعات و حسابداری مناسبی که داده های لازم را جهت مبنای قرارداد فراهم می سازد، به طور مشترک انتخاب نمایند. اطلاعات این سیستم، به طور معمول باید برای هر دو طرف قابل ملاحظه و ارزیابی باشد.

در خصوص مشکل فوق اصلاحیه قانون تجارت مواد ۱۳۴ و ۲۴۱ را به عنوان تمهیدات مناسب ارائه نموده است. طبق مفاده ماده ۱۳۴ مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند، تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند. بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

البته پاداش مذکور در ماده ۱۳۴ با محدودیت وضع شده طبق مفاد ماده ۲۴۱ قانون روبروست است که مقرر می دارد با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود و در شرکتهای سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند.

بدین ترتیب پرداخت پاداش به مدیران اولاً موقوف به سود آور بودن شرکت شده و ثانیاً محدود به نسبتی از سود پرداخت شده به سهامداران است و مورد مزبور علاوه بر ایجاد محدودیتهایی جهت برقراری نظام "شراکت در ریسک و سود" مورد نظر تئوری نمایندگی می تواند موجب تشویق مدیریت به پرداخت سود بجای استفاده از آن در جهت توسعه فعالیت های شرکت شود.

در آخر قابل ذکر است که مشخصه های ارائه شده در خصوص تئوری نمایندگی از مقاله بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت نوشته آقای دکتر محمد نمازی منتشره در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز در تابستان ۱۳۸۴ دریافت شده است.

بهزاد جعفرپور

حسابدار رسمی

آذرماه ۱۳۹۲